

## تأثیر ناپذیری گزاره‌های نجومی قرآن از منظومه بطلمیوسی

سید عیسی مسترحمی\*

### چکیده

دسته‌ای از دگراندیشان مسلمان و مستشرقان معاصر، قرآن را متنی تاریخی که به تناسب نیازها، توانمندی‌ها و سطح اندیشه بسیط عصر نزول با مردم سخن گفته، می‌دانند؛ براساس این دیدگاه، نمی‌توان پذیرفت که قرآن، با مخاطبان ناآگاه از واقعیت‌های نجومی که جهان را از دریچه منظومه بطلمیوسی می‌نگریستند درباره مسائل نجومی تمدن‌ساز سخن گفته باشد؛ اینان با استناد به دیدگاه‌های مفسران متقدم و نیز تفسیر نادرست برخی تعابیر قرآنی معتقدند، قرآن نیز متأثر از منظومه بطلمیوسی، تصویری لایه‌لایه از آسمان‌ها ارائه می‌دهد که اجرام آسمانی به آن متصل بوده و به تبع آن در حرکت هستند. مطالعات تاریخ علم و بهره‌گیری از روش میان‌رشته‌ای این نتیجه را آشکار می‌سازد که سخن از هفت آسمان، حرکت زمین و اجرام آسمانی و بسیاری از واقعیت‌های نجومی در قرآن، علاوه بر تبیین واهی بودن پندار تأثیرپذیری، تلاش این متن الهی برای اصلاح برخی خطاهای علمی و زمینه‌سازی تمدن اسلامی در دانش نجوم را روشن می‌سازد.

### واژگان کلیدی

قرآن، منظومه بطلمیوسی، هفت آسمان، تمدن نجومی، فرهنگ زمانه.

### طرح مسئله

رابطه قرآن و فرهنگ و تمدن زمانه از جمله مسائلی است که از دیرباز در مطالعات قرآنی مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از مفسران، ذیل آیاتی که تعبیر «الْجَاهِلِيَّة»<sup>۱</sup> را در خود دارد به بیان این مسئله پرداخته‌اند و پیرامون نوع این رابطه، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه داده‌اند.

خاستگاه اصلی نظریه تأثیرپذیری کتب مقدس از فرهنگ زمانه، مغرب زمین است، چراکه دانشمندان غربی با مطالعه متون تحریف شده فعلی انجیل و بررسی تاریخ آنها به این نتیجه رسیدند که انجیل‌ها، نگاشته دست افرادی چند همچون مرقس، لوقا، متی، یوحنا و... است که سال‌ها پس از عیسی ﷺ و با الهام و متأثر از فرهنگ و تمدن حاکم عصر خویش به رشته تحریر درآمده‌اند. این مسئله درباره بخش‌هایی از تورات نیز صادق است.<sup>۲</sup>

در جهان عرب، نویسندگانی همچون شاطبی<sup>۳</sup> ذهبی<sup>۴</sup>، امین الخولی<sup>۵</sup> و نصر حامد ابوزید<sup>۶</sup> نظریه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه را پذیرفته و در ایران، افرادی همچون بهاء‌الدین خرمشاهی<sup>۷</sup> و دکتر عبدالکریم سروش<sup>۸</sup> از این مسئله دفاع کرده‌اند.

گستره این تأثیرپذیری، در بسیاری از ابعاد معرفتی قرآن کریم از جمله مباحث علمی و به‌طور خاص در مباحث نجومی پنداشته شده است. معتقدان به این دیدگاه، با استناد به سخن برخی گذشتگان در تطبیق آیات قرآن با نظریه افلاک بطلمیوسی<sup>۹</sup> و نیز تکیه بر ظاهر برخی از الفاظ قرآن همچون واژه فلک<sup>۱۰</sup> و نیز تعبیری که ظاهر آنها با سکون زمین نیز همخوانی داشت<sup>۱۱</sup> و بی‌توجهی یا تأویل بسیاری از آیات قرآن که مخالف دیدگاه بطلمیوسیان بود،<sup>۱۲</sup> به مستدل جلوه دادن دیدگاه خویش اقدام می‌کنند.

سروش با تأکید بر دلالت ظاهر آیات قرآن بر هیئت بطلمیوسی، می‌نویسد:

۱. آل عمران / ۱۵۴؛ مائده / ۵۰؛ فتح / ۲.
۲. باریور، علم و دین، ص ۱۳۰.
۳. شاطبی، *المواقفات فی اصول الشریعه*، ج ۲، ص ۷۰.
۴. ذهبی، *التفسیر و المفسرون*، ج ۲، ص ۴۹۳.
۵. الخولی، *مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب*، ص ۲۹۲.
۶. ابوزید، *مفهوم النص و نقد الخطاب الدین*.
۷. خرمشاهی، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم (نظریه‌ای موقت)»، *مجله بینات*، ش ۵، ۱۳۷۴ ش.
۸. سروش، روزنامه کارگزاران، ۱۹ و ۱۳۸۶/۱۲/۲۰ و اردیبهشت ۱۳۸۷ ش.
۹. رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۱، ص ۱۵۶؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۷، ص ۵؛ سبزواری، *شرح منظومه*، ص ۲۶۹.
۱۰. یس / ۴۰.
۱۱. نمل / ۶۱؛ غافر / ۶۴.
۱۲. نمل / ۸۸؛ مرسلات / ۲۵؛ بقره / ۷۱؛ طه / ۵۳؛ زخرف / ۱۰؛ نازعات / ۳۰؛ رعد / ۲؛ رحمن / ۳۳.

ماجرای هفت آسمان از اینها هم روشن‌تر است، بدون استثناء همه مفسران پیشین آن را به روانی و آسانی بر تئوری‌های هیئت بطلمیوس تطبیق می‌کردند [و چرا نکنند؟ همه ظواهر بر آن دلالت دارد] و فقط در قرن نوزدهم و بیستم است که مفسران جدید قرآن (عرب و غیرعرب) به فکر تفسیر تازه‌ای از این آیات آن هم در پرتو معارف جدید می‌افتند.<sup>۱</sup>

مستشرقانی نظیر یوسف درّه حداد،<sup>۲</sup> گلدزیهر،<sup>۳</sup> «ونسینک»<sup>۴</sup> و «هورو وتیز»<sup>۵</sup> جوین بل<sup>۶</sup> به‌طور عام، بر تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه تأکید کرده‌اند.

برخی دیگر از مستشرقان مانند آنجلیکا نویورت در مدخل «کیهان‌شناسی» به تشابه میان اظهارات قرآنی و مدل ارسطویی - بطلمیوسی درباره جهان معتقد هستند؛ وی می‌نویسد:

به‌نظر می‌رسد قرآن مدل ارسطویی - بطلمیوسی را با جهان (الدنیا) به‌عنوان پایین‌ترین سطح در مرکز که به‌وسیله محورهای هفت‌گانه دارای مرکزیت واحد پوشیده شده است، انعکاس می‌دهد... نگاهی دقیق‌تر، نشانه‌های مدل قدیمی‌تر خاور نزدیک سنتی از جهان را در اختیار می‌گذارد که در سفر تکوین<sup>۷</sup> نیز انعکاس یافته است. در اینجا جهان به گونه‌ای انگاشته می‌شود که نه تنها به‌وسیله هفت محور آسمانی پوشیده شده است؛ بلکه بر روی لایه‌های بسیاری از زمین‌ها قرار دارد.<sup>۸</sup>

وی با مرموز دانستن اظهارات قرآنی به تفسیر طبری تمسک می‌جوید و تنها اظهار نظر وی را مطابق با اسناد و مدارک قرآنی می‌داند و می‌گوید:

تنها طبری تفسیری مطابق گفته‌های قرآن ارائه می‌دهد؛ تصویر دنیایی که درون یک اقیانوس شناور است و به‌وسیله اقیانوس دیگری بالای بلندترین آسمان پوشیده شده است.<sup>۹</sup>

۱. همان.

۲. حداد، *القرآن و الكتاب*، ص ۱۷۴؛ همو، *القرآن دعوة نصرانية*، ص ۷۱۸.

۳. گلدزیهر، *العقيدة و الشريعة في الاسلام*، ص ۲۴.

۴. ونسینک، *مقاله الصلاة*، ج ۱۴، ص ۲۷۷ و ۲۸۱.

۵. هورو وتیز، *مقاله التوراة*، ج ۶، ص ۱.

۶. جوین بل، *مقاله الجمعة*، ج ۷، ص ۱۰۵.

۷. *کتاب مقدس*، سفر تکوین، باب اول.

۸. نویورت، *دائرة المعارف قرآن لایدن*، ج ۱، ص ۴۴۰.

۹. همان.

ماهر جرّار در مدخل «آسمان و فضا» پیشینه بحث آسمان‌های هفت‌گانه را مردمان کهن خاور نزدیک دانسته و می‌نویسد:

ایده خلقت و تفکر هفت آسمان، قبلاً به‌وضوح در مسیر ناهمواری خود برای مردمان کهن خاور نزدیک آشنا بود.<sup>۱</sup>

پائول کونیتچ نیز در ابتدای مدخل «سیارات و ستارگان» تأثیرپذیری قرآن از دانش کیهان‌شناختی عصر نزول قرآن را پذیرفته و می‌نویسد:

غیرمنتظرانه نیست که اشاره‌های پدیده‌های آسمانی در قرآن تحت‌تأثیر دانش معاصر این پدیده‌ها در شبه جزیره عربستان شده باشد. اعراب قدیم پیش از ارتباط خویش با علم فارسی، هندی و یونانی در طول قرون، دانش عمومی خود را درباره فضا و پدیده‌های آسمانی توسعه داده بودند... بنابراین اعراب قدیم ستارگان ثابت و سیارات را می‌شناختند.<sup>۲</sup>

وی با اشاره به گزارش قرآن درباره خلقت هفت آسمان می‌گوید:

نظم هستی که خداوند منطقه آسمانی را با نام «هفت آسمان» خلق کرده است، که در لایه‌هایی یکی بالای دیگری مرتب شده‌اند، هر فرد را به یاد کیهان‌شناس یونانی (بطلمیوسی) با محورهای معروفی که روی هم دیگر قرار یافته‌اند می‌اندازد.

او بعد از اندکی در ادعای خود دچار تردید شده و احتمال رسیدن هرگونه پژوهش این نظریه یونانی به مرز دانش عربستان قرن هفتم را رد می‌کند. او با بررسی گزارش قرآن، ناهمخوانی این گزارش را با مدل یونانی، این‌گونه بیان می‌کند:

نظام یونانی نیازمند هشت محور برای خورشید، ماه، پنج سیاره و ستارگان ثابت است، در حالی که قرآن فقط درباره هفت محور بحث می‌کند. پس به‌نظر نمی‌رسد هفت آسمان مورد اشاره در قرآن متعلق به کیهان‌شناسی و اخترشناسی باشد، بلکه شاید متعلق به نظریه کلامی باشد و احتمالاً با هفت آسمان مذکور در «بیانیه دوازده پدر» و ادبیات تلمودی مقایسه شود.<sup>۳</sup>

۱. جرّار، *دایره المعارف قرآن*، ج ۲، ص ۴۱۰.

۲. کونیتچ، *مدخل سیارات و ستارگان*، ج ۴، ص ۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۰۸.

دکتر موریس بوکای که با رعایت انصاف به مقایسه مباحث علمی قرآن و عهدین پرداخته است، پس از طرح آیات ۳۳ سوره انبیا و ۴۰ سوره یس که از مدارهای خورشید و ماه سخن می‌گوید، می‌نویسد:

دستگاه زمین مرکزی در قرن دوم میلادی از عهد بطلمیوس به بعد پذیرفته شد و می‌رفت که تا زمان کپرنیک در قرن شانزدهم میلادی مورد احترام و تعظیم قرار گیرد. این نظریه که در زمان محمد ﷺ هم مورد گرایش بود در هیچ جای قرآن به چشم نمی‌خورد.<sup>۱</sup>

این پژوهش به دنبال آزمون این فرضیه است که هیچ تناسبی بین آنچه قرآن کریم درباره موضوعات و مسائل نجومی بیان می‌کند، با منظومه منسوخ شده بطلمیوس وجود ندارد و تطبیق نادرستی که توسط برخی از مفسران گذشته بین آیات قرآن و منظومه بطلمیوسی صورت گرفته، خطای علمی آن مفسران و به دلیل رعایت نشدن معیارها و ضوابط لازم در تفسیر میان‌رشته‌ای بوده است. از سوی دیگر، واژگان قرآنی مورد استناد قائلان به تأثیر پذیری، دارای معانی‌ای غیر از آنچه انگاشته شده است دارد.

### پیشینه مباحث دانش نجوم

انسان با پا گذاردن بر روی زمین و با اولین نگاه‌هایی که به اطراف خود انداخت، جستجو برای شناخت آنچه در اطراف خویش می‌دید را آغاز کرد. چپستی زمین، آسمان و پدیده‌های موجود در آن دو، زمان آفرینش و ماده تشکیل‌دهنده آنها، از جمله سؤالاتی بود که بشر اولیه را به خود مشغول کرد که هنوز هم دانشمندان به دنبال پاسخ‌هایی برای آن هستند.

اگرچه بشر تاکنون از تجربه خویش برای درک حقائق عالم طبیعت، بهره‌های فراوانی برده است ولی نباید سهم آموزه‌ها و آموزش‌های پیامبران الهی در این زمینه را نادیده گرفت؛ چنان‌که منابع روایی، حضرت آدم علیه السلام را اولین کسی معرفی می‌کند که خداوند متعال، دانش نجوم را به وی آموخت.<sup>۲</sup> از حضرت دانیال علیه السلام<sup>۳</sup> و حضرت ادريس علیه السلام<sup>۴</sup> و پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله<sup>۵</sup> نیز مطالبی نقل شده است که اطلاع آنان از دانش نجوم را نشان می‌دهد.

۱. بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۱۵.

۲. ابن طاووس، فرج المهموم، ص ۱۴۳؛ قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۱۹۹.

۳. شامی، تاریخ التنجیم عند العرب، ص ۸۰.

۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۳۰؛ شامی، تاریخ التنجیم عند العرب، ص ۷۴.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۵۵؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۲؛ شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۲۲۷.

پس از اسلام نیز دانشمندانی همچون نوبختیان<sup>۱</sup> و برمکیان<sup>۲</sup> به دستگاه خلافت عباسی راه یافتند و فعالیت‌های نجومی متعددی را رقم زدند.<sup>۳</sup> ابراهیم بن حبيب فزاری<sup>۴</sup> (۱۸۸ ق)، عبدالرحمن صوفی رازی<sup>۵</sup> (۳۷۶ ق)، ابوالوفاء بوزجانی (۳۸۸ ق)، ابن سینا (۴۲۸ ق)، ابوریحان بیرونی (۴۴۲ ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ ق)، و بسیاری دیگر از دانشمندان مسلمان با الهام گرفتن از فرمایشات قرآن، پیامبر ﷺ و امامان، به درجات بالای این فن دست یافتند و به پیشرفت این علم کمک فراوانی کردند.

در مغرب زمین نیز پس از رنسانس و ظهور دانشمندانی چون گالیله، کپرنیک، کپلر، نیوتن و انیشتین، این علم، حرکت تازه‌ای را شروع کرد و به دنبال آن، اختراع نورسنج‌ها و تلسکوپ‌های نوری و رادیویی و دیگر ابزارهای نجومی کمک فراوانی به پیشرفت این دانش نمود. در این دوره، مباحث از سمت هیئت و طالع‌بینی به طرف اختر فیزیک، کیهان‌شناسی و کیهان‌زایی تغییر مسیر داد.<sup>۶</sup>

دانشمندان دانش نجوم سیر تطورات این علم را به دوره‌هایی همچون دوره زمین مرکزی، خورشید مرکزی، کپکشانای و کیهانی تقسیم کرده‌اند.<sup>۷</sup>

البته ابراز نظریه‌های جدید همیشه با مخالفت گروه‌هایی همراه بوده است. به‌عنوان مثال، کپرنیک دیدگاه زمین مرکزی، که در سال ۱۵۳۲ میلادی نسخه آن آماده شده بود را از ترس متهم شدن به مهمل‌بافی در علم، منتشر نکرد. شاهد این ادعا، گفته‌های مارتین لوتر است که درباره او می‌نویسد: «این دیوانه می‌خواهد تمام علم نجوم را زیر و زبر کند.»<sup>۸</sup>

### پیشینه پژوهش

نقد دیدگاه تأثیرپذیری قرآن کریم از فرهنگ زمانه به‌طور عام، از دیرباز مورد توجه بوده است. این مسئله انسان دیرین است که در خود قرآن کریم نیز نمونه‌هایی از آن را در نقد این پندار که قرآن برگرفته از داستان‌های پیشینان است می‌توان مشاهده کرد.<sup>۹</sup> معصومین<sup>۱۰</sup> و به تبع آنها، دانشمندان مسلمان

۱. اقبال، *خاندان نوبختی*، ص ۱؛ صدر، *تأسیس الشیعه*، ص ۳۶۴؛ قفطی، *اخبار الحکماء*، ص ۱۶۹ - ۱۶۸.
۲. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۲، ص ۹۳؛ خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۱، ص ۴۴.
۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن طاووس، *فرج المهموم*، ص ۱۴۰، خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱، ص ۶۷.
۴. ابن طاووس، *فرج المهموم*، ص ۱۴۰؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۲، ص ۹۳.
۵. زرکلی، *الاعلام*، ج ۳، ص ۳۱۹.
۶. مدرسه ستاره‌شناسی، *درس‌هایی از ستاره‌شناسی*، ص ۲۰؛ نیکلسون، ۱۸۶ *پرسش و پاسخ نجومی*، ص ۷۲؛ دگانی، *نجوم به زبان ساده*، ص ۲.
۷. همان؛ عدالتی، *اصول و مبانی جغرافیای ریاضی*، ص ۲۲؛ سبیز، *اساس ستاره‌شناسی*، ص ۷۱.
۸. کرومبی، *از اوگوستین تا گالیله*، ج ۲، ص ۱۹۲.
۹. انعام / ۲۵؛ انفال / ۳۱؛ فرقان / ۴ و ۵.

براساس اعتقاد راسخی که به واقع‌نمایی قرآن کریم داشتند و آن را از هرگونه اختلاف و تناقض میراً می‌دانستند، به دفاع از ساحت قرآن در برابر شبهات معاندان پرداخته‌اند. نمونه‌های متعددی از پاسخ‌های معصومین علیهم‌السلام به پرسش‌های علمی اصحاب و سوالات و شبهات غیرمسلمانان پیرامون مباحث قرآنی دیده می‌شود. جالب اینکه در این بین برخی پرسش‌های نجومی نیز وجود دارد.

اما در بخش پاسخ‌گویی به شبهات ایراد شده به مباحث نجومی قرآن، مجموعه منسجمی بجز کتاب **تفسیر آیات نجومی با تأکید بر نقد شبهات** از سید عیسی مسترحمی یافت نشد. البته به صورت پراکنده در مکتوباتی که به پاسخ‌گویی به شبهات اختصاص یافته، به برخی از شبهات نجومی پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب **شبهات و ردود** تألیف آیت‌الله معرفت، **پاسخ به شبهات قرآن (نقد دکتر سها)** نگاشته دکتر رضایی اصفهانی، و پایان‌نامه **آسمان در قرآن و بررسی شبهات مرتبط با آن** اثر خانم قربانی و **نقد شبهات معاصر در مورد علوم طبیعی در قرآن** اثر یوسف جمالی و نیز مقاله مشترک رضایی و میرعرب، با عنوان **بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان** اشاره کرد.

برخی پایگاه‌های اینترنتی نیز که به پاسخ‌گویی شبهات می‌پردازند، به‌طور مختصر شبهات مرتبط با مباحث علمی قرآن و در برخی موارد شبهات نجومی را مورد بررسی قرار داده‌اند. واحد تخصصی پاسخ به شبهات قرآنی [مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی]<sup>۱</sup> و مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم،<sup>۲</sup> اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها<sup>۳</sup> و مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم<sup>۴</sup> از جمله مراکز فعال در این زمینه‌اند.

پاسخ‌های ارائه شده در این مکتوبات، به دلیل عدم تخصص نویسندگان در دانش نجوم و یا عدم بهره‌گیری مناسب از منابع نجومی و تاریخ علم، جواب‌گوی کاملی برای شبهات در حوزه قرآن و نجوم نیست و یا تنها به بخشی از شبهه تأثیرپذیری قرآن در مباحث نجومی از فرهنگ عصر نزول پرداخته است.

### تفاوت‌های آموزه‌های نجومی قرآن با منظومه بطلمیوسی

آنچه در یافتن مبانی و گزاره‌های حاکم بر دانش نجوم تا آغاز رنسانس باید مورد توجه قرار گیرد، سیطره کلی دیدگاه‌های ارسطو<sup>۵</sup> بر این دانش در آن دوران است. به تعبیر برخی تاریخ‌نویسان:

1. <http://www.quransc.com>.

2. <http://www.Andisheqom.com>.

3. <http://www.porseman.org>.

4. <http://www.pasokhgoo.ir>.

۵. ارسطو (به یونانی: Αριστοτέλης) ۳۸۴ ق م - ۳۲۲ ق م) شاگرد افلاطون و آموزگار اسکندر مقدونی بود. تألیفات او در

نه تنها نظریه ارسطویی جوهر و اصول بنیادی تبیین علمی، بلکه اندیشه‌های وی درباره ساختمان فعلی جهان، بر فکر اروپایی قرن سیزدهم مستولی بود.<sup>۱</sup>

کار عمده بطلمیوس<sup>۲</sup>، بیان توجیهی برای حرکت رجعی [قهقرایی] سیارات و تدوین ادعاهای ارسطو و برخی دیگر از منجمان به صورت منظومه‌ای منسجم و ارائه آن در کتاب *المجسطی و اقتصاص* بود. با توجه به این مسئله، آنچه امروزه به عنوان منظومه زمین مرکزی بطلمیوس مشهور است، بسیاری از مبانی و آموزه‌های خود را وامدار ارسطو و اندیشمندان یونانی است. از آن رو که یکی از آموزه‌های مهم منظومه تدوین شده از سوی بطلمیوس، قراردادن زمین در مرکز جهان بود،<sup>۳</sup> این ایده به منظومه زمین مرکزی، مشهور شده است. از قرن سوم هجری و با ترجمه منابع نجومی یونانی، این نظریه تأثیر عمیقی بر نجوم دوره اسلامی گذارد.<sup>۴</sup>

بنابر اذعان تاریخ‌نگاران علم، کتبی که افکار و آراء بطلمیوس را بازگو می‌کرد، حداقل یک قرن پس از نزول قرآن به زبان عربی ترجمه شده است. این کتب اولین بار به دستور وزیر معروف یحیی بن خالد بن برمک (۸۰۵ م) به عربی ترجمه شد. بار دیگر در سال ۸۲۹ میلادی از روی یک ماخذ سریانی به وسیله حجاج بن یوسف و بار سوم، در نیمه دوم قرن نهم میلادی به وسیله اسحاق بن حنین ترجمه شد.<sup>۵</sup>

زمینه‌ها و رشته‌های گوناگون از جمله فیزیک، متافیزیک، نجوم، شعر، فیزیک، زیست‌شناسی، منطق ... بوده‌اند. ارسطو به همراه سقراط و افلاطون از تأثیرگذارترین فیلسوفان یونان باستان بوده است. طبیعت، درباره آسمان، در کون و فساد، علم کائنات، جو، تاریخ طبیعی، از جمله تألیفات علمی اوست. او با در نظر گرفتن زمین در مرکز گیتی و قرار دادن فلک‌های مختلف برای اجرام آسمانی، الگویی از جهان را برای هم‌روزگاران خود ترسیم کرد. ارسطو چهار عنصر بنیادی کیهان را آب، آتش، خاک و هوا می‌دانست به علاوه عنصر پنجمی به نام ائیر که معتقد بود اجرام آسمانی از آن ساخته شده‌اند.

۱. همان، ج ۱، ص ۸۵.

۲. نام او کلاودیوس بطلمیوس (Claudius Ptolemaeus) بود و در اسکندریه یا نزدیک آنجا زندگی می‌کرد. از زمان دقیق تولد او اطلاعی در دست نیست ولی آنچه روشن است این است که در سال‌های حدود ۱۵۰ میلادی مشغول فعالیت نجومی بوده است. اثر مکتوب عمده او «المجسطی» (Almagest) و به معنای کار بزرگ است. او ریاضی دانی قوی بود و فرضیه‌های ابرخس را توسعه داد. او درباره موسیقی، نور و خواص سنگ‌ها دارای تألیفات است. (حکیمی، *دانشمندان بزرگ*، ص ۳۵) اندازه‌گیری فاصله زمین تا ماه، تهیه فهرست اسامی ستارگان و اصلاح طرح علم مثلثات، از جمله فعالیت‌های بطلمیوس به‌شمار می‌آید. آنچه به عنوان منظومه بطلمیوسی مشهور است، طرحی است که او برای تبیین حرکات سیارات تدوین و ارائه داد. (مدرسه ستاره‌شناسی، *درس‌هایی از ستاره‌شناسی*، ص ۲۶) او برای تصویر حرکات سیارات، یک دایره ران که به‌طور یکنواخت روی دایره دیگری به نام فلک حامل دور می‌زد را تصویر کرد. هر یک از سیاراتی که تا آن زمان کشف شده بودند به علاوه خورشید، هر کدام دارای یک فلک بودند که باعث حرکت سیاره می‌شدند. (سولیوان، *پیشگامان دانش اخترشناسی*، ص ۱۱)

۳. روسو، *تاریخ علوم*، ص ۱۰۶؛ هلزی هال، *تاریخ و فلسفه علم*، ص ۱۲۰؛ کرومبی، *از آگوستین تا گالیله*، ج ۱، ص ۹۲.

۴. گمینی، *دایره‌های مینایی*، ص ۲۳.

۵. مصاحبه با دکتر چاوشی آقایانی [www.hawzahnews.com/news/408465](http://www.hawzahnews.com/news/408465) (تاریخ مراجعه: ۱۴/۱۰/۴۰۰)



این مسئله نشان از این دارد که متن عربی این کتاب نمی‌توانسته در اختیار اعراب عصر نزول قرار گرفته باشد.

برای نقد و بررسی دقیق‌تر مسئله، ابتدا به تبیین برخی از آموزه‌های منظومه بطلمیوسی پرداخته، و سپس نگرش متفاوت قرآن با آن را بیان می‌کنیم. از جمله آموزه‌های پذیرفته شده در این منظومه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

### ۱. وجود نُه فلک

از نگاه منظومه بطلمیوسی، جهان عبارت است از مجموعه‌ای از نُه فلک جسمانی<sup>۱</sup> و محتویات آنها، که هریک بر دیگری احاطه دارد و همانند لایه‌های پوست پیاز هم دیگر را پوشانده و بر هم تکیه دارد. این افلاک حاوی ستارگان و سیارات بودند.

قرآن کریم در پنج مورد به صراحت، با عبارت «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ»<sup>۲</sup> و «السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ»<sup>۳</sup> از آسمان‌های هفت‌گانه سخن گفته است. بسیاری از مفسران<sup>۴</sup> دو عبارت «سَبْعَ طَرَائِقَ»<sup>۵</sup> و «سَبْعًا شِدَادًا»<sup>۶</sup> را نیز اشاره به آسمان‌های هفت‌گانه می‌دانند.

شواهد متعددی وجود دارد که اثبات می‌کند موضوع هفت آسمان، قبل از اسلام هم مطرح بوده است. ربیون (خاخام‌های یهود) معتقد به وجود هفت آسمان هستند که سه عدد از آن مادی و چهار عدد معنوی و جایگاه فرشتگان است.<sup>۷</sup> در کتاب مقدس نیز از صعود پولس به آسمان سوم سخن گفته شده است.<sup>۸</sup> قرآن نیز این موضوع را از زبان حضرت نوح علیه السلام نقل می‌کند.<sup>۹</sup> علامه طباطبایی احتجاج نوح علیه السلام به مسئله هفت آسمان در برابر مشرکان را، دلیلی بر مطرح بودن این موضوع در ادیان گذشته می‌داند.<sup>۱۰</sup> پس از آغاز نهضت ترجمه در قرن دوم هجری و ورود برخی آراء و افکار یونانیان به‌ویژه نظریه

۱. گمینی، *دایره‌های مینایی*، ص ۲۲.

۲. بقره / ۲۹؛ فصلت / ۱۲؛ ملک / ۳؛ نوح / ۱۵؛ طلاق / ۱۲.

۳. اسراء / ۴۴؛ مؤمنون / ۸۶.

۴. طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۱۶۱؛ طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۲۲؛ ابن کثیر،

*تفسیر القرآن العظیم*، ج ۵، ص ۴۰۹.

۵. مؤمنون / ۱۷.

۶. نبأ / ۱۲.

۷. هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس*، ص ۶۳.

۸. همدانی، *ترجمه کتاب مقدس*، نامه پولس به قرتس، باب ۱۲.

۹. نوح / ۱۵.

۱۰. طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰، ص ۳۲.

افلاک بطلمیوسی به حوزه اسلام، برخی مسلمانان در صدد مقایسه آن دیدگاه‌ها با آموزه‌های دینی برآمدند. در این بین هر مفسر و دانشمندی راه و شیوه خاصی را در پیش گرفت. برخی از دانشمندان مراد از هشت فرشته حامل عرش<sup>۱</sup> را هشت فلک از افلاک بطلمیوسی و مقصود از عرش را فلک اطلس معرفی کردند.<sup>۲</sup> برخی هفت آسمان را اشاره به هفت فلک از افلاک بطلمیوسی می‌دانند.<sup>۳</sup> گروهی نیز با افزودن کرسی<sup>۴</sup> و عرش<sup>۵</sup> به آسمان‌های هفت گانه، آموزه‌های دینی را هماهنگ با افلاک نه‌گانه این هیئت دانسته‌اند.<sup>۶</sup>

جالب این است که قرآن از «هفت آسمان» سخن می‌گوید،<sup>۷</sup> نه «نه آسمان» و این نویسندگان علی‌رغم اینکه می‌دیدند قرآن به صراحت از هفت آسمان سخن می‌گوید، برای هماهنگ جلوه دادن آیات قرآن با آنچه آن را در علوم تجربی اثبات شده می‌پنداشتند،<sup>۸</sup> دست به چنین تأویلاتی می‌زدند در حالی که نه معنای لغوی و اصطلاحی عرش و کرسی با فلک هشتم و نهم مناسبتی دارد و نه آنچه را آنان علمی و اثبات شده تصور می‌کردند، آن گونه بود.

اینکه مراد از آسمان چیست و در تمام این آیات به یک معنا به کار رفته است و آیا عدد هفت در این آیات عددی حقیقی است یا اینکه برای بیان کثرت آمده است، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد.<sup>۹</sup>

## ۲. سکون زمین در مرکز عالم

در این منظومه برای جهان، نقطه‌ای مرکزی در نظر گرفته شده که زمین در آن قرار دارد. تمام اجرام آسمانی گرداگرد آن حلقه زده و به دور آن در حال گردشند. زمین باتوجه به این مرکزیت در جای خود ثابت و ساکن تصور می‌شود.<sup>۱۰</sup>

این درحالی است که قرآن کریم با کاربرد تعبیری همچون «تَمْرُ مَرَّ السَّحَابِ»<sup>۱۱</sup> با تشبیه حرکت

۱. حاقه / ۱۷.

۲. ابن سینا، *رسائل ابن سینا*، ص ۱۲۸.

۳. رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۱، ص ۱۵۶.

۴. بقره / ۲۵۵.

۵. یونس / ۳؛ هود / ۷؛ سجده / ۴.

۶. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۷، ص ۵؛ سبزواری، *شرح منظومه*، ص ۲۶۹.

۷. بقره / ۲۹؛ اسرا / ۴۴؛ مؤمنون / ۸۶؛ فصلت / ۱۲؛ ملک / ۳؛ نوح / ۱۵؛ طلاق / ۱۲.

۸. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۷، ص ۵.

۹. مسترجمی، «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم»، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، پاییز ۱۳۸۸، ش ۴.

۱۰. کرومی، *از اوگوستین تا گالیله*، ج ۲، ص ۸۸.

۱۱. نمل / ۸۸.

زمین به حرکت ابرها «كَفَاتًا»<sup>۱</sup> و تشبیه زمین به شیرجه رفتن پرنده شکاری «ذُلُولٌ»<sup>۲</sup> و راهوار دانستن زمین به زیبایی به حرکت انتقالی زمین اشاره می‌کند.<sup>۳</sup>

«قرار بودن زمین» که در آیات ۶۱ سوره نمل و ۶۴ سوره غافر، از آن سخن به میان آمده، هیچ تنافی‌ای با حرکت زمین ندارد زیرا این آیات بیانگر این است که زمین با وجود حرکات شدید و تندی که دارد، برای انسان‌ها همچون مکانی ثابت و بدون حرکتی است و از آن حرکات آزرده نمی‌شوند و از این جهت زمین مکان مناسبی برای زندگی آنهاست.<sup>۴</sup>

این توهّم که واژه «قرار» در آیه شریفه بیانگر سکون زمین است،<sup>۵</sup> با دقت در دیگر آیاتی که به حرکت زمین اشاره دارند و نیز تأمل در تعبیر «لَكُمْ» در آیه ۶۴ سوره غافر رفع می‌شود؛ چراکه آیه می‌فرماید: زمین نسبت به شما و برای شما [لکم] مستقر و ساکن است. این تعبیر ممکن است به این نکته اشاره داشته باشد که علی‌رغم اینکه خود زمین دارای حرکت است به گونه‌ای حرکت می‌کند که برای انسان‌ها قرار و ثابت و بدون تکان و اضطراب است. این مسئله از بیانات نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان ویژگی‌های زمین نیز به خوبی قابل فهم است؛ آنجا که می‌فرمایند:

وَعَدَلَّ حَرَكَاتِهَا بِالرَّاسِيَاتِ... فَسَكَنَتْ مِنَ الْمِيْدَانِ؛ حرکات زمین را با صخره‌های عظیم و کوه‌های بلند تعدیل کرد و زمین از لرزش و اضطراب باز ایستاد.<sup>۶</sup>

از سوی دیگر ممکن است با توجه به معنای ماده «قرر» در لغت،<sup>۷</sup> مراد آیه، سرد شدن زمین در روند آفرینش و تبدیل پوسته زمین از حالت مذاب به جامد باشد.<sup>۸</sup>

### ۳. اتصال اجرام آسمانی به افلاک

ماه، خورشید و پنج سیاره که تا آن زمان کشف شده بودند، هر کدام در یکی از افلاک قرار داشته و به آن

۱. مرسلات / ۲۵.

۲. بقره / ۷۱.

۳. مسترحمی، قرآن و کیهان‌شناسی، ص ۱۲۰.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۸۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۱۵؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۳۰۹۳.

۵. رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۳۳۶؛ سمرقندی، بحر العلوم، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۱۸۳؛ عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن، ص ۸۹۳.

۶. نهج البلاغه، خ ۹۰. شبیه این مضمون در خطبه ۲۰۲ نیز آمده است.

۷. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۶۲؛ راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۶۲.

۸. صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۳، ص ۴۸۳.

متصل بودند و فلکی برای ستارگان [فلک ثوابت] و فلکی برای ایجاد حرکت این مجموعه [فلک الافلاک - فلک اطلس] وجود داشت. این مسئله مانع از سقوط اجرام آسمانی بر زمین می‌شد. قرآن کریم در نگاهی متفاوت، از وجود نیروهایی که باعث برافراشته ماندن آسمان‌ها و کرات آسمانی و عدم سقوط و برهم خوردن نظم حاکم بر آنها است، سخن می‌گوید.

بسیاری از مفسران و دانشمندان<sup>۱</sup> تعبیر «عمد» در آیه شریفه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»<sup>۲</sup> خدا کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید برافراشت» را اشاره به این نیروها می‌داند.

اما همان‌گونه که گذشت، در نظر معتقدان به منظومه بطلمیوسی، عاملی که باعث حفظ کرات آسمانی و عدم سقوط آنها می‌شد، اتصال آنها به افلاکی بود که همچون لایه‌هایی بر روی هم قرار گرفته‌اند.

#### ۴. حرکت ستارگان و سیارات، به تبع حرکت افلاک

در این منظومه، ستارگان، سیارات، ماه و خورشید از خود حرکتی ندارند، بلکه حرکت آنها به تبع حرکت افلاک است و در حقیقت این افلاک هستند که حرکت می‌کنند و اجرام آسمانی به دلیل اتصالشان به این افلاک متحرک به نظر می‌رسند.

اما قرآن کریم از وجود مدارهایی سخن می‌گوید که ماه و خورشید در آن شناورند.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ.<sup>۳</sup>

نه خورشید برایش سزاوار است که ماه را در یابد و نه شب بر روز پیشی گیرنده است در حالی که هر یک در مداری شناورند.

شاید اشاره قرآن به مدار اجرام آسمانی، به وسیله تعبیر «فلک»، این شبهه را ایجاد کرده است که قرآن دیدگاه بطلمیوس را درباره ساختار هندسی جهان پذیرفته است. این در حالی است که بین مفهوم فلک در آیات قرآن و کاربرد آن توسط بطلمیوسیان تفاوت بسیاری وجود دارد. این آیه از شناور بودن اجرام آسمانی در فلک [مدار] سخن می‌گوید ولی منظومه بطلمیوسی اجرام را متصل به افلاک می‌دانست و برای خود فلک قائل به حرکت بودند.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۹؛ حنفی، التفسیر العلمی للآیات الکوئیة فی القرآن، ص ۲۴۷؛ زغلول، السماء

فی القرآن الکریم، ص ۳۴۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶ ص ۱۲۳.

۲. رعد / ۲ و نیز نزدیک به این مضمون در لقمان / ۱۰.

۳. انبیاء / ۳۳.

از طرفی ماده «فلک» در اصل بر گرد بودن چیزی دلالت می‌کند<sup>۱</sup> و بر حرکت دایره‌وار<sup>۲</sup> و نیز به مجرا و مدار حرکت اجرام آسمانی<sup>۳</sup> نیز بر همین اساس «فَلْک» اطلاق می‌شود و این تناسب کاملی با حرکت بیشتر اجرام آسمانی دارد که در مسیری دایره‌وار در گردشند. ارسطو با توجه به این نکته که اگر ستارگان خودشان حرکت می‌کردند صدای زیادی تولید می‌شد و به ما می‌رسید، می‌گوید:

پس باید ستارها به چیز دیگری متصل باشند و چون به تبع آن حرکت می‌کنند، صدایی ایجاد نمی‌کنند. لذا نمی‌توان آنها را شناور دانست.<sup>۴</sup>

قرآن در آیات متعددی از حرکت ستارگان و از جمله خورشید سخن گفته است. البته مراد از این حرکت، حرکت ظاهری [از شرق به غرب] نیست زیرا:

اولاً: حرکت ظاهری [کاذب] نمی‌تواند نشانه خدا باشد در حالی که خداوند آن را به‌عنوان نشانه خود می‌شمارد.<sup>۵</sup> ثانیاً: به‌کار رفتن تعبیر «تجری»<sup>۶</sup> به جای واژه‌هایی مانند تَحَرُّک و اِنْتَقَلَ، درباره حرکت خورشید، اشاره به برخی حرکت‌های خورشید است که در قرون اخیر کشف شده است؛ مانند حرکت خورشید به همراه منظومه شمسی به دور کهکشان و نیز حرکت خورشید به سمت شمال آسمان و نیز جاری بودن و زیر و رو شدن آن به‌صورت مجموعه فشرده‌ای از گاز.

ثالثاً: برخی از آیاتی که تعبیر متناسب با حرکت ظاهری را در خود دارند، نیز در صدد بیان نکته علمی نیستند و صرفاً در مقام اشاره به زمان یا مکان خاصی [مثلاً مکان یا زمان طلوع یا غروب خورشید] هستند. ما از این دسته از آیات با تعبیر «عنوان مشیر» یاد می‌کنیم.

## ۵. اعتقاد به تنها یک آسمان

ارسطو به «یکتایی آسمان» تصریح می‌کند و می‌نویسد:

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۵۲.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۳۷۴.

۳. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۶، ص ۲۶۷؛ راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۴۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۷۸؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۴۷۲.

۴. ارسطو، در آسمان، ص ۱۰۲.

۵. یس / ۳۸ - ۳۷.

۶. یس / ۳۸؛ رعد / ۲؛ فاطر / ۱۳؛ زمر / ۵؛ لقمان / ۲۹.

اکنون باید بگوییم که نه تنها فقط یک آسمان وجود دارد، بلکه همچنین باید بگوییم که غیر ممکن است که چندین آسمان وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

ارسطو در ادامه استدلال خود را بر یگانگی آسمان این گونه خلاصه می‌کند:

مع الوصف نه آسمان دیگری هست و نه امکان وجود داشتن آسمان‌های دیگر، زیرا کلّ ماده در این آسمان جمع شده است.<sup>۲</sup>

این عقیده، با آنچه در قرآن به‌عنوان هفت آسمان مطرح است، کاملاً مخالف و دیگرگون است.

#### ۶. ازلی و ابدی بودن افلاک فوق القمر

به اعتقاد ارسطو، افلاک و اجرام آسمانی خارج از فلک قمر، دارای ماهیتی لاهوتی و جاودانی هستند<sup>۳</sup> و امکان هیچ گونه تغییری در آنها نیست.

از نظر ارسطو تمام اجرام آسمانی در منطقه فوق القمری [به افلاکی که بعد از فلک ماه قرار داشتند افلاک فوق القمری گفته می‌شد] از عنصر فساد ناپذیری به نام اتر [aether] ساخته شده‌اند. این عنصر، دارای میل طبیعی برای چرخیدن به دور مرکز جهان در مسیر دایره‌هایی کامل بود. این اندیشه بنیادین در اخترشناسی بطلمیوسی تعدیل و بسط یافت.<sup>۴</sup> این اندیشور یونانی آسمان را ازلی می‌داند و به گمان خود بر این عقیده براهینی اقامه می‌کند و سپس می‌نویسد:

بنابراین اینکه آسمان در کل آن نه کائن شده است و نه ممکن است فاسد شود، آن گونه که بعضی می‌گویند، بلکه واحد و ابدی است و دهر آن را آغاز و انجامی نیست، بلکه خود حاوی و شامل لاتناهی زمان است، چیزی است که به یقین از آنچه گفتیم بر می‌آید.<sup>۵</sup>

ارسطو به ابدی بودن آسمان نیز معتقد است و هر گونه امکان تغییر و فساد در آن را انکار می‌کند و می‌نویسد: «وانگهی باید بگوییم که آسمان چون قبول کون و فساد نمی‌کند، ابدی است.»<sup>۶</sup> او در نوشته‌هایش ستارگان را غیر مکون و فسادناپذیر معرفی کرده و آنها را همانند آسمان ابدی می‌داند.<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۴۳.

۲. ارسطو، در آسمان، ص ۴۵.

۳. کرومبی، از اوگوستین تا گالیله، ج ۱، ص ۸۴.

۴. چالمرز، چیستی علم، ص ۸۶.

۵. ارسطو، در آسمان، ص ۷۱.

۶. همان، ص ۴۳ و ۵۰.

۷. همان، ص ۱۳۱.

البته این دیدگاه برای همیشه دوام نیاورد چراکه گالیله با تلسکوپ مشاهده کرد که سطح ماه پوشیده از کوه‌ها و حفره‌هاست و سطح زمین گونه ماه تمایز ارسطویی بین سماوات کامل و فسادناپذیر و زمین فسادپذیر را ویران کرد.<sup>۱</sup> از طرفی با مشاهده لکه‌هایی بر روی خورشید، لاهوتی بودن افلاک مابعد القمر که در ایده‌های ارسطو بود، باطل شد.<sup>۲</sup>

خداوند متعال در قرآن از آفرینش آسمان‌ها و زمین سخن می‌گوید<sup>۳</sup> و با به کار بردن تعبیری همچون «فاطر»<sup>۴</sup> و «بدیع»<sup>۵</sup> به پیشینه نداشتن آسمان‌ها و زمین اشاره نموده و انسان‌ها را به تفکر در آفرینش آن، دعوت می‌نماید.<sup>۶</sup>

این کتاب آسمانی، اجرام آسمانی را دارای پایان و اجل می‌داند<sup>۷</sup> و به تاریکی و خاموشی<sup>۸</sup> ستارگان در آینده اشاره می‌کند و از اتفاقاتی سخن می‌گوید که در پایان عمر آنها رخ خواهد داد.<sup>۹</sup>

#### ۷. عدم امکان حرکت در بین افلاک (آسمان)

به دلیل برخی ویژگی‌هایی که بطلمیوسیان برای افلاک قائل بودند، حرکت در بین آنها را امکان پذیر نمی‌دانستند چراکه از لوازم آن، خرق و التیام بود. [مراد از خرق و التیام پاره شدن و به هم پیوستن افلاک است و این اتفاق، در صورتی که شیئی بخواهد از بین افلاک حرکت کند رخ خواهد داد، این در حالی است که ماهیت افلاک، هیچگونه تغییر و تحولی را نمی‌پذیرد.] اما قرآن کریم بر خلاف هیئت بطلمیوسی از امکان حرکت در آسمان‌ها سخن می‌گوید. آیات زیر شاهد بر این مدعا است که می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعَمْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاتَّفَدُّوا لَأَنْ تَتَفَدُّوا إِلَّا بِسُلْطَانٍ<sup>۱۰</sup>

ای گروه جن و انسان! اگر می‌توانید از اطراف آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید پس نفوذ کنید (ولی) جز با تسلط نفوذ نمی‌کنید.

۱. چالمرز، چستی علم، ص ۸۸

۲. هلزی هال، تاریخ و فلسفه علم، ص ۷۲.

۳. بقره / ۱۱۷ و ۱۶۴؛ انعام / ۱ و ...

۴. فاطر / ۱.

۵. بقره / ۱۱۷.

۶. روم / ۸؛ آل عمران / ۱۹۱.

۷. رعد / ۲.

۸. تکویر / ۲ - ۱.

۹. انفطار / ۲ - ۱؛ حاقه / ۱۶؛ فرقان / ۲۵؛ مرسلات / ۹؛ طور / ۹؛ قیامت / ۹؛ انبیا / ۱۰۴؛ مرسلات / ۸.

۱۰. رحمن / ۳۳.

قرآن کریم در این آیه از امکان ورود به آسمان‌ها سخن گفته است اما تحقق این کار را مشروط بر وجود ابزار و اسبابی دانسته است که امروزه بشر توانسته است به آن دست یابد. آیات دیگری نیز همچون آیه ۱۲۵ سوره انعام و آیات ۱۴ و ۱۵ سوره حجر از صعود و حرکت در آسمان سخن گفته است.

#### ۸. حضور ستارگان در فلک هشتم

از منظر منظومه بطلمیوسی، فقط فلک هشتم (فلک ثوابت) دارای ستاره است و بعد از آن فلک اطلس قرار دارد که از ستاره خالی است و صرفاً حرکت دادن دیگر افلاک را بر عهده دارد. در آیاتی از قرآن کریم، پیرامون تزیین نزدیکترین آسمان [یعنی اولین آسمان] به وسیله ستارگان سخن به میان آمده است: «زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ<sup>۱</sup> و آسمان پست [دنیا] را با چراغ‌هایی آراستیم.» در حالی که طبق نظریه بطلمیوس این فلک هشتم است که دارای ستاره است نه اولین و نزدیکترین فلک.

#### موضوعات جدید نجومی در قرآن

قرآن درباره موضوعاتی از دانش نجوم سخن می‌گوید که در عصر نزول قرآن مطرح و قابل دستیابی نبوده و قرن‌ها بعد کشف شده است.

از جمله این مباحث می‌توان به مراحل و دوران‌های آفرینش هستی،<sup>۲</sup> مواد اولیه تشکیل دهنده جهان،<sup>۳</sup> گسترش و توسعه آسمان‌ها،<sup>۴</sup> متراکم بودن و یکپارچه بودن کل کیهان،<sup>۵</sup> وجود نیروهایی در جهان از جمله نیروی جاذبه عمومی و گریز از مرکز،<sup>۶</sup> وجود موجودات زنده در آسمان،<sup>۷</sup> وجود جو و ویژگی‌های آن اشاره کرد.<sup>۸</sup>

#### نتیجه

باتوجه به آنچه گفته شد، صحت این ادعا که قرآن منظومه‌ای متفاوت با منظومه بطلمیوسی را ارائه می‌دهد، به اثبات می‌رسد و عدم پیروی قرآن از منظومه بطلمیوسی [که در بین دانشمندان عصر نزول

۱. فصلت / ۱۲؛ ملک / ۵.

۲. اعراف / ۵۴؛ یونس / ۳؛ هود / ۷؛ حدید / ۴؛ سجده / ۴؛ فرقان / ۵۹؛ ق / ۳۸؛ فصلت / ۱۲ - ۹.

۳. هود / ۷؛ انبیاء / ۳۰؛ فصلت / ۱۱.

۴. ذاریات / ۴۷.

۵. انبیاء / ۳۰.

۶. لقمان / ۱۰؛ رعد / ۲.

۷. شوری / ۲۹؛ نحل / ۴۹؛ انبیا / ۴.

۸. انعام / ۱۲۵.



قرآن شناخته شده و مورد پذیرش بود، [عظمت قرآن را بیشتر آشکار می‌کند و حتی در مواردی شگفتی یا اعجاز این کتاب مقدس را آشکار می‌سازد.

آنچه با دقت در این مجموعه از آیات آشکار می‌شود، این است که دیدگاه قرآن در ارائه مدلی برای جهان مادی، با افلاک نُه‌گانه بطلمیوسی هیچ تناسبی ندارد و اگر برخی دانشمندان مسلمان به تطبیق هفت آسمان با افلاک بطلمیوسی پرداخته‌اند، به دلیل عدم رعایت معیارها و ضوابط تفسیر علمی بوده است و در حقیقت این خطای دانشمندان است نه خطای قرآن کریم. و حتی شاید بتوان مسئله هفت آسمان را از پیشگویی‌های علمی قرآن به حساب آورد که از وجود آسمان‌هایی غیر از آنچه تاکنون کشف شده [که دارای کهکشان‌های شامل ستارگان و سحابی‌ها و سیارات و قمرها و گازهای میان‌ستاره‌ای و میان‌کهکشانی و دیگر اجرام آسمانی مثل کوتوله‌های سفید و ستاره‌های نوترونی و سیاهچاله‌ها و... است] خبر می‌دهد. همان‌گونه که می‌توان تعابیر قرآنی درباره حرکت زمین، حرکت آزادانه دیگر اجرام آسمانی و امکان حرکت و نفوذ در آسمان‌ها را از نکات شگفت علمی قرآن به‌شمار آورد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه گروهی زیر نظر محمد علی رضایی اصفهانی، قم، نشر دار الذکر، چ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- نهج‌البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، تهران، نشر فیض الاسلام، ۱۳۶۸ ش.
- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، نشر اساطیر، چ دوم، ۱۳۸۳ ش.
۱. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکَرِیم الرحمن، بیروت، النهضة العربیه، چ دوم، ۱۴۰۸ ق.
  ۲. ابن اثیر، مبارک بن احمد، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، عمان، بیت‌الافکار الدولیه، ۲۰۰۳ م.
  ۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، رسایل ابن سینا، دانشکده ادبیات استانبول، ۱۹۵۳ م.
  ۴. ابن طاووس، علی بن موسی، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، قم، نشر رضی، چ اول، ۱۳۶۳ ش.
  ۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالکتب اسلامیة، چ سوم، ۱۴۲۰ ق.
  ۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
  ۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چ سوم، ۱۴۱۴ ق.
  ۸. ابوزید، نصر حامد، مفهوم النص، بیروت، مرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۸ م.
  ۹. ارسطو، در آسمان، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، نشر هرمس، چ اول، ۱۳۷۹ ش.
  ۱۰. اقبال آشتیانی، عباس، خاندان نوبختی، تهران، نشر مطبوعه مجلس، ۱۳۱۱ ش.
  ۱۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، نشر دارالتعارف، بی تا،

۱۲. باربور، ایان، **علم و دین**، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. برقی، احمد بن خالد، **المحاسن**، قم، نشر دار الکتب اسلامیة، چ دوم، ۱۳۲۶ ش.
۱۴. بوکای، موريس، **مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم**، ترجمه ذبیح الله دبیر، تهران، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چ هشتم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. جوین، بل، **مقاله الجمعة**، دائرة المعارف الاسلامیة، دارالمعرفة، لبنان، چاپ دوم، ۲۰۱۰ م.
۱۶. چالمرز، آلن اف، **چیستی علم**، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. حکیمی، محمود، **دانشمندان بزرگ**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. حنفی، احمد، **التفسیر العلمی للآیات الکوئیة فی القرآن**، قاهره، نشر دار المعارف، چ سوم، ۱۹۸۰ م.
۱۹. خرمشاهی، بهاء الدین، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم (نظریه‌ای موقت)»، **مجله بینات**، ش ۵، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، بیروت، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. خوانساری، محمدباقر، **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، قم، چاپ اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. الخولی، امین، **مناهج التجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب**، بی‌جا، دارالمعرفة، ۱۹۶۱ م.
۲۳. دره الحداد، یوسف، **القرآن دعوة النصرانية**، بیروت، منشورات المكتبة البولسیه، چ دوم، ۱۹۸۶ م.
۲۴. دره حداد، یوسف، **القرآن دعوة النصرانية**، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۹۸ م.
۲۵. دره حداد، یوسف، **القرآن و الكتاب**، منشورات المكتبة البولسیه، لبنان، چاپ سوم، ۱۹۸۲ م.
۲۶. دگانی، مایر، **نجوم به زبان ساده**، ترجمه: محمد رضا خواجه پور، تهران، نشر گیتاشناسی، چ دهم، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. ذهبی، محمد حسین، **التفسیر و المفسرون**، قاهره، دارالکتب الحدیثه، چ دوم، ۱۳۹۶ م.
۲۸. رازی، فخر الدین، **تفسیر کبیر [مفاتیح الغیب]**، بیروت، نشر دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، قم، ذوی القربی، چ پنجم، ۱۴۲۶ ق.
۳۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، قم، نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چ اول، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. روسو، پی یر، **تاریخ علوم**، ترجمه حسن صفاری، تهران، نشر امیر کبیر، چ دوم، ۱۳۳۵ ش.
۳۲. زرکلی، خیرالدین، **الاعلام**، بیروت، دار العلم للملایین، چ ششم، ۱۹۸۴ م.

۳۳. زغلول راغب، محمد نجار، *السماء فی القرآن الکریم*، بیروت، نشر دار المعرفة، چ اول، ۱۴۲۵ ق.
۳۴. سیزواری، حاج ملا هادی، *شرح منظومه*، قم، نشر دار العلم، بی تا.
۳۵. سروش، عبدالکریم، «بشر و بشیر، طوطی و زنبور» (دو نامه به آیت‌الله سبحانی) روزنامه کارگزاران، ۱۹ و ۲۰/۱۲/۱۳۸۶ و اردیبهشت ۱۳۸۷ ش.
۳۶. سمرقندی، نصر بن احمد، *بحر العلوم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۷. سولیوان، ناوین، *پیشگامان دانش اخترشناسی*، ترجمه علی اکبر شریفی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۸. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، *فی ظلال القرآن*، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ق.
۳۹. سیدز، مایکل، *اساس ستاره‌شناسی*، مشهد، دانشگاه امام رضا علیه السلام، چ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۴۰. شاطبی، ابراهیم بن موسی، *الموافقات فی اصول الشریعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۴۱. شامی، یحیی، *تاریخ التنجیم عند العرب*، بیروت، نشر عزالدین، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۲. شهرستانی، سید هبه الدین، *اسلام و هیئت*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، نشر دارالعلم، ۱۳۸۹ ق.
۴۳. صاحب بن عباد، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتاب، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۴. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ معارف اسلامی، چ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۴۵. صدر، حسن، *تاسیس الشیعه*، تهران، نشر اعلمی، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، نشر دار التعارف، ۱۴۱۱ ق.
۴۷. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
۴۸. طبرسی، ابی الفضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، نشر مؤسسه اعلمی، چ اول، ۱۴۱۵ ق.
۴۹. عدالتی، تقی و فرخی، حسن، *اصول و مبانی جغرافیای ریاضی*، مشهد، نشر انتشارات آستان قدس رضوی، چ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۵۱. قفطی، علی بن یوسف، *تاریخ الحكماء و هو مختصر الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطات من کتاب اخبار العلماء باخبار الحكماء*، لایبزیگ، چ لیبرت، ۱۹۰۳ م.

- ۵۲ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، پاییز ۱۴۰۱، ش ۴۸
۵۲. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، تهران، نشر دار الاسوة، چ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۵۳. کرومبی، آ، سی، *از اوگوستین تا گالیله*، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۷۱ ش.
۵۴. گلدزیهر، ایگناس، *العقیده و الشریعه فی السالم*، ترجمه: محمد یوسف موسی و دیگران، دارالرائد العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.
۵۵. گمینی، امیرمحمد، *دایره‌های مینایی*، تهران، نشر حکمت سینا، ۱۳۹۵ ش.
۵۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۵۷. مدرسه ستاره‌شناسی مریلند، *درس‌هایی از ستاره‌شناسی*، ترجمه امیر حاجی خداوریخان، مشهد، نشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی ع.ق.ج.، ۱۳۶۶ ش.
۵۸. مسترحمی، سید عیسی، «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم»، *پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم*، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸.
۵۹. مسترحمی، سید عیسی، *قرآن و کیهان‌شناسی*، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چ اول، ۱۳۸۷ ش.
۶۰. مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۶۱. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، نشر دارالکتب اسلامی، چ بیست‌وهشتم، ۱۳۷۱ ش.
۶۳. نصر، حامد ابوزید، *مفهوم النص*، بیروت، المرکز الثقافی العربی، الطبعة الرابعة، ۱۹۹۸ م.
۶۴. نیورث، آنجلیکا، *مقاله کیهان‌شناسی*، دائرة المعارف الاسلامیه، لبنان، دار المعرفه، چاپ دوم، ۲۰۱۰ م.
۶۵. نیکلسون، آین، *۱۸۶ پرسش و پاسخ نجومی*، ترجمه عبدالمهدی ریاضی و هادی رفیعی، مشهد، نشر انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
۶۶. هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، چ اول، ۱۳۰۶ ش.
۶۷. هلزی هال، لوئیس ویلیلم، *تاریخ و فلسفه علم*، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۶ ش.
۶۸. همدانی، فاضل‌خان، *ترجمه کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، چ دوم، ۱۳۸۳ ش.